**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ظنون**

**حجیت ظنون**

**جلسه پنجاه و یکم\_ سه شنبه 10 بهمن 1396**

آن چه که دیروز در بحث ظهور و حجیت ظواهر روایات عرض کردیم به نظر ما یک تبیینی است تازه از مثل مبنای مرحوم میرزای قمی، دقیقا آن نیست بلکه در همان جهت است و تفاوت هایی دارد.

کسانی که قائل به انسداد می شوند، در دو مرحله انسداد را اثبات می کنند، چنان که ان شاء الله در بحث انسداد مفصل خواهم گفت، یکی انسداد در صدور روایات، انسداد باب علم در صدور روایات، دوم انسداد در فهم روایات، صدور بحثی است که ما ان شاء الله خواهیم گفت و ان این است که اعتبار سنجی روایات به صرف سند، قطعا امر صحیحی نیست، نه اینکه سند نیاز نیست، بحثم این است که صرف سند کافی نیست.

اما آنچه که الان مطرح است، انسدادی است در فهم روایات. معنای انسداد هم این نیست که به بن بست رسیده ایم و چاره نداریم. معنای انسداد این است که به آن شیوه مرسوم بعضی از فقها نمی توان اکتفا کرد و ظواهری را حجت شمرد. معنای انسدادی که مورد نظر ما است این است که حجت شمردن ظهور مبتلا است به اشکالاتی و این اشکالات را اصولی باید برطرف کند. به صرف اینک هبگوید الظهور حجة هند العقلا، نمی توان به سراغ روایات امد و ظهورات روایات را مبنا افتا قرار دارد. باز تکرار می کنم معنای انسداد این نیست ک هروایات را کنار گذاشت ه و سراغ اصول عملیه برویم. نه میرزا این حرف را می زند و نه دیگران می گویند با شیوه های دیگری باید پیش رفت. ما و میرزا در این شیوه ها اختلاف داریم.

نتیجه ایی که میخواهیم بگیریم این است که تا زا نظر فنی اطمینان به حجیت این ظهور پیدا نکنیم اصل عدم حجیت است چنان که همه قائل اند.

اما مشکلات، برخی از این مشکلات را همه قبول دارند و یک راه حل های معمولی برایش ارائه شئه است که کافی نیست.

یک مشکل این است که الآن این روایت ظهور در این معنا دارد، از کجا می گویید ، در آن زمان هم همین معنا توسط امام اراده شد؟

خب اینجا بن بست را می شکنند با اصالة عدم نقل، یا به تعبیر مرحوم صدر اصالة الثبات. یعنی معنای الان همان معنا قبل است. خوب این درست است اما تا چه حدی می تواند مشکل شما را حل کند موردی باید حل شود.

مشکل دومی که داریم، الان مشاهده می کنیم واژه ها تغییر معنا پیدا کرده است گاهی نقل شده است کلا و گاهی توسعه و تضییقی پیدا کرده استف مصادیق جدیدی پیدا کرده است.

مثل صوم لرؤیة که مصداق زمان صدور رؤیت با چشم است الآن رؤیت معنایش گسترش پیدا کرده است، دیدن با چشم مسلح هم از نسخ دیدن است، آیا این صوم للرؤیه چنین رویتی را هم می گیرد یا نه؟ مصداق جدید الان پیدا شده است و معنای جدید الان گسترش پیدا کرده است.

کلمۀغنا، سفر همه این ها جز این مصداق قرار می گیرد که آیا این تغییر و تبدیل های کنونی را معیار قرار بدهیم یا نه؟ این جا بعضی را مشاهده می کنید که ممخاطب روایات را همه مردم می دانند از آن طرف صوم للرؤیه، رؤیه زمان پیامبر است، آیا اینقابل قبول است. چطور الان به شما بگویند "صم للرؤیه" ولی "رؤیه" مختص زمان پیامبر باشد.

مشکل سوم؛ قطعا ملابساتی، قرائنی، شواهدی حالیه، مقالیه، متصله، منفصله در بین روایات هست، نهایت حرفی که آقای خویی و آقای روحانی فرموده اند این است که زراره آدم ثقه وواردی است اگر قرینه ایی باشد که مغیر معناست، آن را ذکر می کند اگر می گویید غافل است اصل هم عدم غفلت است.

ااما یک سری قرائن ما داریم که چه بسا اساسا حتی مثل زراره متوجه آن نباشد، هم هقرائن گفتی و بیان کردنی نیست.

مثلا یک روایتی وارد شد، امام در ظرف خاصی از نظر زمان میخ واسته پیزی را اثبات یا نفی کند، مطلبی را گفت است یا با توجه به گفتوگویی که قبلا در مجلس بوده ، مطلبی را بیان رکده است، وضع آن مجلس و آ« زمان گوینده وشنونده ، بسیاری اش گفتنی نیست.

باید آ« جا بود که ان قرائن را درک کرد شاید مثل زراره دقت نداشته باشد که 1400 سال بعد ممکن است قرائن موضوع را عوض کند. نفی این ها اسان نیست که بگویید این یک جمله ایی است برای همیشه که با توجه به هیچ خصوصیات ی و ملا بساتی نیست.

بطور مثال من بشرنی بخروج آذر فله الجنة. بعد در جای دیگر پیامبر واصحاب نشسته اند، ابوذر وارد شد و گفت آذر تمام شد. این یعنی مراد روایت ابوذر است. این دارد شان اباذر را بیان می کند.

این در آنجا نقل نشده است در جای دیگر بیان شده است.

ایا از این دسته روایات دیگر ندارید؟

مشکل چهارم؛ نقل به معناست. مرحوم آقای بروجردی تصریح می کند دأب کثیری از روات نقل به معناست. بله بعضی دقیق عین الفاظ امام را می آوردند. خب اینها که معصوم نیستند بیان امام را با فهم خود بیان می کند. احتمال خطا در فهم بیان امام کم نیست.

مشکل پنجم؛ تقطیع روایات

مشکل ششم؛ از بین رفتن بسیاری از قرائن، مرحوم شهید ثانی در کتاب الرعایه، ج 1ٌ ،163: و حصر احادیث اصحابنا ابعد لکثرت من ...و کان قد استقر امر المتقدمین علی اربعه ماة مصنفه علی اربعه ماة مصنف سموها الاصول، فکان علیها اعتمادهم ...تا زمان رسید به.. ذهاب معظم تلک الاصول و لخصا جماعة فی کتب خاصه، تقربیا. بعد از نام بردن کتب اربعه...و کیف کاان فاخبارنا لیست منحصره فیها، الا انما خرج عنه، قد صار الان غیر مضبوط و لا یکلف الفقیه بالبحث عنه.

آیا وجود آن روایاتی که الان نیست احتمال این را نمی گذارد که قرائنی درش بوده است که به فقیه نرسیده است. نمونه دیگر مرحوم مجلسی کتابی دارد در شرح تهذیب که بسیار کتاب خوبی است به نام ملاذ الاخیار، در ج 1، ص 22 به بعد مراجعه کنید، می گوید اصطلاحی قدما در کلمه صحیح داشتند از علامه به بعد هم اصطلاحی داشته اندف والذی بعث المتاخرین علی العدول المتعارف القدما، و وضع ذلک الاصطلاح الجدیدی هو انه لم طالت الازمنه بینهم و بین الصدر السلف و آل الحال الی اندراس بعض کتب الاصول المعتمده لتسلط حکام الجور وال خوف من من اظهارها و انتساخها و انضم الی ذلک اجتماع ما وصل الیهم من کتب الاصول فی الاربعة المشهوره فی هذا الازمان فالتیست الاحادیث الماخذوه من الاصول المعتمده بالماخذوه من غیر معتمده، ناچار شدن آ« چهار اصطلا ح را بیاورند.

ص 26 می گوید بله انی که گفتند من الاعتذار لهم بفوت کثیر من القرائن، وان کان حقا لکن لم یفوت جمیع تلک الامور.

شاهد سوم؛ شیخ طوسی در مقدم هتهذیب می گوید من میخواهم کتابی بعد از تهذیب بنویسم که یججتمع علی جمیع احادیث که متاسفانه نتوانست. معلوم می شود احادیث دیگری هست که به ما نرسیده است.

اضافه کنید مشکل تهذیب و اشتباه نویس را، مشکل اختلاف نسخه را و نیز مشکل این که اکثرا ما علم به سبب ورود روایات نداریم، همچچنان که شان نزول قرینه ایی است که آیه را می تواند جهت دهد سبب صدور هم همین طور است. اگر این سبب به دست ما می رسید شاید حدیث را گونه ی دیگر معنا می کردیم.

پس اگر آقای میرزا می گوید من قصد افهامه ظهور برایش حجت است این که اسنت که م نقصد بعضی از این مشکلات را ندارد.

به نظر ما:

ظهور در عصر کنونی ما با توجه به این مشکلات اثبات حجیت اش مشکل است، این آن چیزی است که ما از ش به انسداد نام می بریم. یک مشکلاتی داریم که اساسا روایت را سند اقبول بکنیم یا نه؟ یکی از مشکلات هم در فهم روایت است. ان شاء الله ادامهبحث جلسه آتی.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**